

A Study of the Manifestations of Totem in the Stories of Haft Peykar

Masume Rezaivand*

Ziba Esmacili**

Abstract

Totem is one of the manifestations of very old beliefs of Iranian people, and its roots have remained in stories and tales. The stories and anecdotes of Nizami's *Haft Peykar* have preserved the signs of belief in totems due to being rooted in folk tales. Examining this concept in *Haft Peykar* helps understand ancient religious and ritual beliefs of Iranian people. Therefore, the recovery of totem and totemism in the tales of *Haft Peykar* is the aim of the present study. The research design is qualitative, discourse analysis and descriptive-analytical. In order to obtain the data, totem and totemism were recovered in the stories of *Haft Peykar*. The results of the investigation showed that this ancient work shows signs and traces of totemism in ancient Iran such as exogamy totem (Bahram's seven marriages with seven princesses of seven regions), sun totem (the Roman princess totem), plant totem (in the story of Egyptian Mahan, the story of Good and Evil, and the story of the Pious Eunuch), holy land totem (in the story of the Pious Eunuch), and the transfer of the totem with marriage (in the story of *Kheir va Shar* (Good and Evil). Therefore, the story of *Haft Peykar* reflects some manifestations of totemism.

Keywords: Totem, Taboo, Totemism, Folk Tales, *Haft Peykar*

*M.A. in Persian language and literature, Faculty of Humanities, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran. Mahdieh.Rezaeivand@yahoo.com

**Assistant professor in Department of Persian language and literature, Faculty of Humanities, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran. (Corresponding author) Esmacili.Ziba@sru.ac.ir

How to cite article:

Rezaivand, M., & Esmacili, Z. (2025). A Study of the Manifestations of Totem in the Stories of Haft Peykar. *Journal of Ritual Culture and Literature*, 3(2), 245-260. doi: 10.22077/jcrl.2025.8122.1157



Copyright: © 2022 by the authors. *Journal of Ritual Culture and Literature*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



بررسی مظاهر توتم در داستان‌های هفت پیکر

معصومه رضایی‌وند*

زیبا اسماعیلی**

چکیده

توتم یکی از مظاهر باورهای بسیار کهن مردم ایران است که ریشه‌های باور به آن در داستان‌ها و قصه‌ها باقی مانده است. داستان‌ها و حکایت‌های هفت پیکر نظامی، به دلیل برخورداری از زمینه قصه‌های عامیانه، بقایای باور به توتم را حفظ کرده است. بررسی این مفهوم در این متن، به شناخت باورهای کهن دینی و آیینی مردم ایران می‌انجامد؛ از این رو این پژوهش از نوع گفتمان‌کاوی کیفی با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است و هدف آن بازیابی توتم و توتمیسم در حکایت‌های هفت پیکر نظامی گنجه‌ای است. نتایج بررسی نشان داد که می‌توان در این اثر رگه‌هایی از توتمیسم در ایران باستان مانند توتم برون‌همسری (هفت ازدواج بهرام با هفت شادخت هفت اقلیم)، توتم خورشید (توتم شادخت رومی)، توتم گیاهی (در داستان ماهان مصری، داستان خیر و شر و داستان خواجه پارسا)، توتم زمین مقدس (در داستان خواجه پارسا) و انتقال توتم با ازدواج (در داستان خیر و شر) را یافت؛ بنابراین منظومه هفت پیکر دربردارنده برخی از نمودهای توتمیسم است.

کلیدواژه‌ها: توتم، تابو، توتمیسم، قصه‌های عامیانه، هفت پیکر.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.
Mahdieh.Rezaeivand@yahoo.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.
Esmaeili.Ziba@sru.ac.ir (نویسنده مسئول)

۱- مقدمه

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تحلیل متون، بررسی و تحلیل انسان‌شناختی بر مبنای خاستگاه‌های آیینی و فرهنگی است. توتم به‌عنوان یکی از مظاهر باورهای بسیار کهن مردم ایران در روزگاران دور، در بسیاری از داستان‌های شفاهی و قصه‌های عامیانه نفوذ کرده است. باور به توتم در آثار ادبی که به‌نوعی با آثار شفاهی مرتبط هستند نیز قابل بررسی است. مظاهری از توتم به‌وضوح در شاهنامه فردوسی آمده است. در قصه‌های عامیانه فارسی نیز نشانه‌های توتم قابل بازیابی است. هفت‌پیکر نظامی یکی از این داستان‌ها است که زمینه اصلی حکایت‌های آن، ریشه در ادبیات شفاهی دارد. با توجه به اهمیت شناخت مفهوم توتم در هفت‌پیکر و ارتباط این متن با سوبه‌های دینی و باورهای مردمی، در این پژوهش نمودهای باور به توتم در منظومه هفت‌پیکر بررسی می‌شود. داستان‌ها و حکایت‌های منظومه هفت‌پیکر به‌دلیل برخورداری از زمینه‌های قصه‌های عامیانه، با فرهنگ و آیین‌های ایران کهن آمیخته شده است. بقایای باور به توتم یکی از زمینه‌های آیینی است که به‌صورت شفابخش بودن یک گیاه یا تابوی جنسی در این منظومه قابل بررسی است و می‌تواند فرهنگ و تمدن ایران کهن را بشناساند؛ بنابراین بررسی مظاهر توتمیسم در حکایت‌های هفت‌پیکر ضروری به نظر می‌رسد.

این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به این سؤالات است: کدام توتم‌ها در منظومه هفت‌پیکر بازتاب یافته است؟ این توتم‌ها بر چه مظاهری دلالت دارند؟

۲-۱- پیشینه پژوهش

تاکنون مظاهر توتم و توتم‌پرستی در منظومه هفت‌پیکر در هیچ پژوهشی بررسی نشده است؛ اما درباره تعریف توتم و مظاهر آن در متون ادبی، آثار قابل توجهی ارائه شده است. زیگموند فروید (۱۹۱۳) در کتابی با عنوان *توتم و تابو*، توتم را نیای گروه یا روح نگهبان می‌داند و ارتباط آن با تابو را بیان می‌کند.

استروس (۱۹۶۲) در کتاب *توتمیسم*، توتم در قبایل بدوی استرالیا را بررسی کرده است. جمشید آزادگان (۱۳۷۲) در کتاب *ادیان ابتدایی*، تحقیق در توتمیسم به تعریف توتمیسم و بیان تاریخچه تحقیقات و نظریه‌های مربوط به آن پرداخته است. سامع (۱۳۷۰) نیز در مقاله «توتم و توتمیسم» توتم و انواع آن را معرفی کرده است. کزازی و فرقدانی (۱۳۸۶) در مقاله «توتم در داستان‌های شاهنامه» توتم حیوانی (گاو، اسب، شیر، اژدها و...) و توتم‌هایی چون درفش و خورشید را در شاهنامه بررسی کرده‌اند. محسنی و ولی‌زاده (۱۳۹۰) در مقاله «بن‌مایه‌های توتمیسم در قصه‌های عامیانه ایران» عناصر توتمی چون تابوی خوراک، وجود گیاه جادویی، تبدیل انسان به حیوان، تبدیل انسان به گیاه، حمایت حیوان جادویی از قهرمان قصه و تابوی جنسی را در قصه‌های عامیانه فارسی بررسی کرده‌اند. مدرسی و عزتی (۱۳۹۱) در مقاله «مشابهت‌های برخی از اسطوره‌های توتمیک ایرانیان و ترکان» به

بررسی جانور توتمی یاریگر، راهنما، دوگانگی این جانوران و ویژگی‌های قهرمانان مورد حمایت توتم را در شاهنامه پرداخته‌اند. ستاری و حقیقی (۱۳۹۳) در مقاله «نقش توتم در نفی ازدواج با محارم در ایران باستان» با بررسی نشانه‌های توتمی حیوانی و گیاهی، توتم‌پرستی و باور ایرانیان باستان را به این آیین نشان داده، با توجه به نظریه‌های کسانی چون فروید، دورکیم و استروس، منع ازدواج با محارم و شیوع برون‌همسری را در ایران باستان توجیه کرده‌اند. ستاری، رضوانیان و خسروی (۱۳۹۶) در مقاله «توتم در منظومه‌های حماسی پس از شاهنامه با تکیه بر منظومه‌های گرشاسب‌نامه، سام‌نامه، کوش‌نامه، برزنامه» توتم‌های حیوانی و گیاهی را در این بررسی کرده‌اند و به قداست حیواناتی مانند اسب، گاو، سیمرغ و گیاهان و درختان پی برده‌اند که توجیهی برای تابوی کشتن و خوردن موجودات توتمی در جامعه ایران است. طبق بررسی‌های انجام‌شده تاکنون پژوهشی به بررسی مظاهر توتم در داستان‌های هفت‌پیکر نظامی نپرداخته است.

۳-۱- روش تحقیق

این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی به بررسی و تحلیل مظاهر توتم در داستان‌های هفت‌پیکر پرداخته است. داده‌های پژوهش با مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

۲- مبانی نظری

اعتقاد به توتم از قدیمی‌ترین اعتقادات و باورهای باستانی است که از اقوام بدوی تا به امروز دوام یافته است. باورهای مربوط به توتم از دوران کهن آغاز شده، خود را با پدیده‌های مادی چون خورشید، آسمان، جانوران و گیاهان نشان داده است. کلمه توتم به معنی «خویشاوندی خواهر و برادری»، ارمان تحقیقات جی لانگ مردم‌شناس انگلیسی است که آن را وارد حوزه علوم اجتماعی کرد (دورکیم، ۱۳۸۴: ۱۲۱). اخبار و افسانه‌ها در مورد ماهیت توتم پر از آگاهی‌هایی درباره پیشینه اجتماعی انسان است. در برخی از آنان نیای گروه توتمی در ابتدا جانوری غیر انسان بوده و سپس به صورت انسان درآمده و بنیادگذار گروه توتمی شده است یا جد اعلای گروه با جانور یا گیاهی که به عنوان ماده خوراکی یا عاملی دیگر به کار می‌رفته است (آزادگان، ۱۳۷۲: ۷۴). توتم منحصر به شیء خاصی نیست بلکه همیشه نمونه‌ای از یک نوع است که مصنوع بشر نیست (سامع، ۱۳۷۰: ۶۰). بعد از آن، دانشمندان نظریاتی در باب منشأ توتمیسم ارائه کرده‌اند به همین دلیل رسیدن به تعریفی جامع از توتمیسم دشوار است. استروس در تعریف کلی از توتم می‌گوید: «توتم یک حیوان، گیاه، شیء یا نیروهای طبیعت است که نیای قبیله و یا روح نگهبان نیکوکاری است که از اعضای قبیله حمایت می‌کند». وی معتقد است توتمیسم

حکم مذهب را در اقوام بدوی دارد (۱۳۸۶: ۱۲۴). نظریه توتمیسم فریزر یکی از برجسته‌ترین نظریه‌هایی است که درباره توتم ارائه شده است. فریزر با نگاهی عقل‌گرایانه توتم را یک دین ابتدایی معرفی می‌کند و به ارتباط بین دین و جادو می‌پردازد. برای توتمیسم می‌توان سه اصل مطرح کرد: ۱. اعتقاد به تقدس توتم و وظایف خاص توتمیست‌ها نسبت به توتم، ۲. اعتقاد به تابو که عبارت است از مقررات و قراردادهایی که مطابق آن‌ها برخی چیزها و امور و موجودات به علت تقدسشان، صفت حرمت و ممنوعیت دارند، ۳. اعتقاد به نیروی مانا که عبارت است از اعتقاد به قدرت و نیروی ماوراءالطبیعه که در اشیاء وجود دارد و یا کیفیت ویژه‌ای که در بعضی از موجودات انسانی، به‌خصوص رهبران قبایل وجود دارد (سامع، ۱۳۷۰: ۶۱).

آزادگان معتقد است «تابو از الزامات حتمی توتم است و توتم و تابو لازم و ملزوم یکدیگرند» (۱۳۷۲: ۱۲۰). فروید قیود تابویی را امری سوای منهیات صرف مذهبی و اخلاقی می‌داند که به اوامر الهی منسوب نیستند، بلکه خودبه‌خود پا گرفته‌اند. تابوها منع‌هایی هستند که اقوام بدوی بدون اینکه دلایل آنها را بدانند به آنها مانند امری طبیعی گردن می‌نهند و معتقدند که سرپیچی از آنها به خودی خود، سخت‌ترین کیفرها را به دنبال می‌آورد. تابوها اغلب شامل مواد خوراکی، آزادی امیال و روابط است که بعضی از آنها منطقی به نظر می‌رسند و هدفشان کف نفس و ریاضت است و برخی غیرقابل درک است. به عقیده او برخی از این اشخاص یا اشیا نسبت به بقیه نیروی بیشتری دارند و به همان میزان خطر آنها نیز بیشتر است. اگر کسی تابوشکنی کند گویی تمام آن نیرو به خود او انتقال پیدا کرده، او نیز از محرمات می‌شود و مطرود جامعه می‌گردد (فروید، ۱۳۹۰: ۳۰). وجود توتم و یکی شمردن خیال و واقعیت در قصه‌های کهن ایرانی بسیار چشمگیر است؛ البته عقاید کهنی چون توتمیسم را نمی‌توان به شکل خالص و واضح در متون یا قصه‌ها یافت، فقط نشانه‌هایی از آن را می‌یابیم که با خرافات در فرهنگ شفاهی و متون کهن نفوذ کرده است (محسنی، ۱۳۹۰: ص ۱۶). به‌طور قطع نشانه‌های توتمیسم در قصه‌های عامیانه ایرانی قابل بازیابی است. رد پای توتمیسم در بین بومیان ایران پیش از تاریخ را در شاهنامه فردوسی که اثری بر پایه اساطیر باستانی ایران است، می‌توان دید؛ مانند نام جانوری (گرگین: گرگ، جاماسب: اسب)، تصاویر توتمی در درفش‌ها، کرامت حیوانات، پرندگان و آب، توتم گیاهی، تبدیل اشیاء به موجودات جان‌دار و برعکس (آزادگان، ۱۳۷۲: ۷۰-۷۳). بررسی مؤلفه‌های ادبیات عامیانه در حکایت‌های هفت‌پیکر و بسامد بالای بسیاری از این مؤلفه‌ها بیانگر آن است که زمینه اصلی این حکایت‌ها در ادبیات شفاهی و فرهنگ مردم وجود داشته است. به باور اسماعیلی و خجسته «در حکایت‌های منظومه هفت‌پیکر ویژگی‌های قصه‌های عامیانه همچون ایستایی شخصیت‌ها، کلی‌گرایی، پیرنگ ضعیف، زمان و مکان نامشخص، زاویه دید یکسان، برتری اصول اخلاقی و نقش پُرننگ سرنوشت دیده می‌شود» (۱۴۰۰: ۲۱)؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که «حکایت‌های هفت‌پیکر،

جزئی از ادبیات عامیانه زمان نظامی یا پیش از آن بوده است» (همان). وجود توتسم و تابو در این حکایت‌ها در باورهای کهن ایرانی ریشه دارد.

۳- بحث و بررسی

با توجه به آنکه حکایت‌های مطرح‌شده در هفت‌پیکر ریشه در ادب عامه دارد لذا منبع خوبی برای یافتن توتسم‌هایی است که ایرانیان باستان به آن اعتقاد داشته‌اند و تا زمان نظامی همچنان در بین مردم رواج داشته است.

۳-۱- نمود برون‌همسری در ازدواج‌های بهرام گور

برون‌همسری یا منع ازدواج با محارم یا خویشان، از بنیادی‌ترین توتسم‌ها در همه جوامع بشری از روزگاران نخستین تا به امروز است و تنها تفاوت آن محدودۀ این خویشاوندان بوده است. در همه جوامع، قوانین مخصوص تعیین محارم جنسی وجود داشته و دارد و طبق آن هر زنی نمی‌تواند با هر مردی ازدواج کند. تمام افراد همخون که از یک توتسم مشترک هستند و خانواده‌ای را تشکیل می‌دهند، منع روابط جنسی با یکدیگر را دارند (فروید، ۱۳۹۰: ۱۵). در جوامع معتقد به یک توتسم به این دلیل که توتسم، نیای افسانه‌ای است، افرادی که دارای نیای مشترک هستند نمی‌توانند با هم ازدواج کنند؛ بنابراین سیستم برون‌همسری حاکم است (سامع، ۱۳۷۰: ۶۱). لوی استروس معتقد است اگر ازدواج همخونی رواج می‌یافت دیری نمی‌پائید که گروه اجتماعی از هم می‌پاشید و به‌صورت مجموعه‌ای از خانواده‌ها با سیستم بسته درمی‌آمد که افزایش جمعیت در آن دیده نمی‌شد (روح‌الامینی، ۱۳۶۰: ۵۲۶).

در سوی دیگر درون‌همسری قرار دارد که اجبار به ازدواج در محدوده معین خویشاوندان است، اما مغایر یا نقطه مقابل برون‌همسری نیست؛ زیرا در جوامعی که درون‌همسری وجود دارد، برون‌همسری نیز هست. نمود برون‌همسری در ایران را می‌توان در داستان‌های تاریخی و افسانه‌ای پیش از اسلام دید. ارتباط با دیگر اقوام نیز یکی از مهم‌ترین دلایل رعایت توتسم برون‌همسری در ایران است به‌گونه‌ای که این موضوع از طریق داستان‌های عامیانه در ادبیات نیز راه یافته است و می‌توان ریشه‌های آن را در *شاهنامه*، *قابوس‌نامه*، *هفت‌پیکر* و... مشاهده کرد. در *شاهنامه* ازدواج دلاوران و شاهان با زنان غیرایرانی است؛ مانند ازدواج کاووس با سودابه، ازدواج رستم با تهمنه، ازدواج بیژن با منیژه، ازدواج سیاوش با فرنگیس و جریره، ازدواج گشتاسب با کتایون، ازدواج داراب با دختر پادشاه روم، ازدواج بهرام گور با دختر شاه هند، ازدواج انوشیروان با دختر خاقان و ازدواج خسرو پرویز با مریم دختر قیصر روم.

در هفت‌پیکر نظامی ازدواج بهرام گور با هفت شاهدخت از هفت کشور جهان را می‌توان نمود احترام به توتسم و برون‌همسری دانست. هفت شاهدخت از کشورهای هند، روم، خوارزم، سقلاّب، مغرب، چین و ایران. بهرام گور با این ازدواج‌ها سبب استحکام روابط و

صلح و آرامش بین سرزمین خود و دیگر سرزمین‌ها می‌شود. هفتمین شاهدخت از ایران است. در ابتدا با نظر مخالف برون‌همسری و شکستن تابوی منع ازدواج با همخونان مواجه می‌شویم، اما با کمی تأمل درمی‌یابیم که شاهدخت ایرانی «دُرستی» دختر کسری از نسل کیکاووس است (آیتی، ۱۳۷۶: ۷). کیکاوس از شاهان کیانی است، درحالی‌که نسب بهرام به شاهان ساسانی می‌رسد؛ بنابراین می‌توان ازدواج بهرام گور با دُرستی را نیز برون‌همسری دانست؛ زیرا همسر ایرانی‌نژاد بهرام قومیتی متفاوت با او دارد. به همین دلیل است که برای بهرام از دیگر شاهدخت‌ها ارزشمندتر است. روز جمعه و گنبد سپید را به او اختصاص می‌دهد و داستان هفت‌گنبد با او به اتمام می‌رسد؛ از سوی دیگر اگر برخی ازدواج بهرام گور با دُرستی را از نوع برون‌همسری قبول نکنند و آن را ازدواج درون‌همسری بدانند، در اصل ماجرا تغییر چندانی ایجاد نمی‌کند. در جوامع مختلف، برون‌همسری در کنار درون‌همسری نیز رواج داشته است؛ باین حال در جوامع ازدواج با محارم درجه اول، همچنان تابو محسوب می‌شود، مگر در موارد نادری که در بین شاهان اتفاق افتاده است؛ مانند ازدواج اسفندیار و همای خواهرش بعد از کشتن بیدرفش. حسینی ازدواج بهرام گور را ازدواج جادویی می‌داند: «ازدواج جادویی تعادلی بین جانب مردانه و زنانه روح است. ازدواج مقدس به معنی اتحاد میان خدا و خدایانو و یا موجودات الهی و انسان و گاه به‌طور خاص وحدت بین شاه و الهه است» (۱۳۹۳: ۲۱).

۲-۳- توت‌م خورشید و شاهدخت رومی

فروید توت‌م را یکی از نیروهای طبیعت (باران، آب و ...) می‌داند؛ بنابراین می‌توان چنین استدلال کرد که انتساب شاهدخت رومی گنبد زردنشین به روز یکشنبه و خورشید بی‌دلیل نیست چراکه بر طبق آیین مهرپرستی که در روم رواج داشته، خورشید مورد احترام و پرستش و درواقع به‌نوعی توت‌م رومیان محسوب می‌شده است. در نجوم قدیم خورشید در اقلیم چهارم قرار دارد ولی در این داستان در اقلیم دوم آورده شده است. نظامی تغییر آگاهانه اقلیم خورشید از چهارم به دوم را با آوردن مصرع «رومی عروس چینی ناز» نشان می‌دهد. به اعتقاد جبالی و دیگران

ظاهراً شاعر با کاربرد «رومی عروس چینی ناز» به آگاهی خود از این موضوع که چرا دختر قیصر روم در گنبد زرد آرام گرفته است، اشاره می‌کند تا خواننده دریابد که خورشید در فلک چهارم است ولیکن او را به اقلیم روم منسوب کرده است (۱۳۹۴: ۷).

روز یکشنبه آن چراغ جهان	زیر زر شد چو آفتاب نهان
جام زر برگرفت چون جمشید	تاج زر بر نهاد چون خورشید

(نظامی، ۱۳۹۸: ۱۸۲)

رابطه بین خورشید و چین نیز می‌تواند با طلوع خورشید از شرق که جایگاه سرزمین چین است، مرتبط باشد. دهخدا به نقل از المعجم البلدان آورده است: «اقلیم دوم به قول ایرانیان از آن مشتری و به قول رومیان از آن آفتاب است و از بروج به قوس و حوت تعلق دارد»

(دهخدا، ذیل هفت اقلیم). این نیز می‌تواند دلیلی دیگر بر انتقال خورشید از اقلیم چهارم به اقلیم دوم در داستان باشد. «ارتباط خورشید با طلا و رنگ زرد، ریشه در حکمت باستان، بخصوص حرانیان دارد که معبد خورشید را به شکل چهار گوش و رنگ طلایی می‌ساخته و دیوارپوش‌های آن زرد رنگ یا ساخته از پارچه‌های زربفت بود» (احمدنژاد، ۱۳۶۹: ۴۲). در هفت‌پیکر انتساب روز یکشنبه به خورشید و ارتباط آن با گنبد زرد و دختر قیصر روم، به دلیل اعتقاد رومیان باستان به آیین مهرپرستی قابل تأمل است. نکته جالب توجه این است که هنوز هم روز مقدس در غرب، روز یکشنبه (روز خورشید) است. به نظر می‌رسد نشان دادن دختر قیصر روم در گنبد زرد که مربوط به سیاره خورشید است و ارتباط روز یکشنبه با آن، بی‌ارتباط با آیین مهر (میترائیسم) نیست (پارسا، ۱۳۹۴: ۴). شاید به همین دلیل است که شیده هنگام ساخت هفت‌گنبد برای هفت عروس بهرام، روز یکشنبه را که توت‌م سرزمین روم و روز خورشید است، به شاهزاده خانم رومی اختصاص می‌دهد.

۳-۳- توت‌ گیاهی

گیاهان در میان نمادهای تکرارشونده و مقدس، سرفرازترین قامت اساطیری را دارند و رکن و پایه هستی و ارتباط میان زمین و آسمان و ستون گیتی تلقی می‌شوند و نماد تولد، بالندگی، مرگ، زندگی جاودانه و رستاخیز هستند (پورخالقی چترودی، ۱۳۸۱: ۴۷۵). ایاده معتقد است که «تقدس درختان و گیاهان و آیین‌ها و رمزهای نباتی در تاریخ هر مذهب و در سنت‌ها و روایات مردمی سراسر جهان دیده می‌شود، هم‌چنین نشان آن را در بینش‌های مابعدالطبیعی کهن و شمایل‌نگاری‌ها و هنر عوام نیز می‌توان جستجو کرد» (ستاری، ۱۳۹۶: ۸۲).

به نظر بدویان، جهان جان‌دار است و گیاهان و درختان نیز چون خود او، روح دارند. گاهی فقط نوع خاصی از درختان دارای روح تلقی می‌شوند و در صورت آسیب زدن به آن‌ها، موجود آسیب‌زننده در جا می‌میرد یا دست‌کم بقیه عمرش ناتوان می‌شود (کمبل، ۱۳۸۰: ۱۵۴). باور به پیدایش نخستین انسان یا زوج از نبات یا گیاه، در جهان‌بینی اسطوره‌ای بسیاری از نژادها و تبارها وجود دارد و در نهادِ نهادِ بشر حرمت و قداستی تعبّد برانگیز برای گیاهان رقم زده است (خادمی کولایی، ۱۳۸۸: ۱۳). باور به آفرینش مشی و مشیانه از بوته ریواس، تقدس درخت سرو که زرتشت با خود از بهشت آورده، وجود درخت درمان‌بخش و... نمودهایی از باور به تقدس گیاهان نزد ایرانیان باستان است. درخت زندگی، درخت کیهانی، درخت آفرینش و... از جمله توت‌هایی است که در بین اساطیر اقوام مختلف جهان مشترک است و نمود آن را می‌توان در داستان‌های ادبی به‌جامانده دید. «شاعران فارسی‌زبان هرکدام درختی را نماد و رمز درخت آفرینش قرار داده‌اند، چنان‌که نظامی در هفت‌پیکر «صندل» و فردوسی در شاهنامه «سرو» را برگزیده است» (پورخالقی، ۱۳۸۱: ۳۸).

«درخت صندل» نمود درخت زندگی در هفت‌پیکر است. ابتدا ردپای درخت صندل در

داستان بشر پرهیزگار دیده می‌شود. چشمه‌ای که ملیخای عقل‌گرا در آن غرق می‌شود، در پای درخت صندل عالی شاخ است. توصیفات نظامی از آن درخت، یاد درخت زندگی را در اساطیر و نمادهای سایر ملل زنده می‌کند. «شاعر پس از اشاره غیرمستقیم به درخت آفرینش در گنبد سبز، ماهیت رازگونه این درخت را در گنبد پیروزه و پس از آن در گنبد صندل آشکارتر می‌سازد» (نصر اصفهانی، ۱۳۹۵: ۲۲۸). درخت صندل را می‌توان در دو داستان «ماهان مصری» و «خیر و شر» به‌عنوان توت‌م گیاهی در هفت‌پیکر گرفت. دو خاصیت اصلی گیاهانی را که توت‌م قرار می‌گیرند، در این دو داستان می‌بینیم؛ یکی خاصیت حمایت‌گری درخت صندل در داستان «ماهان مصری» و دیگر خاصیت درمانگری و شفابخشی درخت صندل در داستان «خیر و شر».

۱-۳-۳- توت‌م گیاهی در داستان ماهان مصری

داستان ماهان مصری در گنبد پنجم پیروزه رنگ، داستانی روایت‌شده از زبان شاهدخت مغربی است. در این داستان ماهان بعد از اینکه چندین بار توسط دیوان فریفته می‌شود به باغی زیبا می‌رسد. آغاز سیر و سلوک ماهان از باغ است و باغ مکانی است برای شروع خویشتن‌یابی، «خویشتنی که هدف غایی از فرایند فردیت، انکشاف و همسویی و هماهنگی با آن است» (طغیانی، جعفری، ۱۳۸۷: ۲۱۸). پیرمرد باغبان صاحب آن باغ است. مهر ماهان به دلش افتاده، می‌خواهد او را به فرزندی بپذیرد و از او می‌خواهد برای رسیدن به مقصود شبی را در پناه درخت صندل و بالای شاخه‌های آن سر کند؛ باین حال ماهان دوباره فریب دیوان را می‌خورد. نقطه امن درخت صندل را که توت‌م پیرمرد باغبان و حافظ وی است، ترک می‌کند و به مجازات این تابوشکنی تمام باغ بر وی بیابانی وحشتناک می‌شود. در پایان به‌واسطه توبه و پشیمانی بخشوده می‌شود و حضرت خضر به کمک او می‌آید؛ درواقع ماهان دو بار تابوشکنی می‌کند: بی‌احترامی به توت‌م پیرمرد باغبان و پیروی از نفس.

داستان گنبد پیروزه «قصه روح سرگردانی است که هم ریشه در تعلقات زمینی دارد و هم قصد ترک تعلقات دنیایی» (مؤذنی و نظری، ۱۳۸۸: ۱۱۵-۱۱۶). فروید می‌گوید: «توت‌م در درجه اول، نیای گروه و در درجه ثانوی، یک روح نگهبان و نیکوکار است... فرزندان خود را باز می‌شناسد و به آنها گزندی نمی‌رساند» (فروید، ۱۳۹۰: ۱۲). در این داستان پیرمرد صاحب باغ از میان تمام درختان باغش، فقط درخت صندل را جایگاهی امن برای ماهان می‌داند؛ از این رو می‌توان درخت صندل را به‌عنوان توت‌م خاص پیرمرد دانست؛ زیرا ماهان با پیرمرد پیمان پدر و فرزندی بسته است؛ بنابراین تا زمانی که ماهان به توت‌م خود پشت نکند، توت‌م از او در برابر دیوان محافظت می‌کند. ماهان با پایین آمدن از درخت و رفتن به سوی پری‌رخ، درواقع به توت‌م جدید خود که به‌واسطه فرزندخواندگی با پیرمرد به او رسیده، بی‌احترامی می‌کند. به همین دلیل مجازات شده، پری‌رخ به دیو و باغ به خارستان تبدیل می‌شود. ماهان با توبه و طلب بخشش از پروردگار بخشیده

می‌شود، حضرت خضر به کمک او می‌آید و او را نجات می‌دهد.

۲-۳-۳- توت‌گیاهی در داستان خیر و شر

داستان خیر و شر در گنبد ششم صندلی رنگ، از زبان شاهدخت چینی روایت می‌شود. در این داستان «خیر» که چشمانش به دست «شر» کور شده، با برگ‌های درخت صندلی که می‌توان آن را توت‌مرد کرد دانست، بینا می‌شود. این توت‌مرد بعد ازدواج خیر با دختر مرد کرد، به خیر نیز انتقال پیدا می‌کند. خیر با برگ‌های آن درخت، چشمان دختر پادشاه و بیماری صرع دختر وزیر را درمان کرده، با آن دو ازدواج می‌کند.

درختان یکی از نمادهای پرتکرار مقدس در اساطیر هستند. یکی از دلایل این تقدس برای انسان بدوی، خاصیت درمانگری درختان است (میهن‌دوست، ۱۳۸۵: ۶۴-۶۶). درمانگری درخت در داستان خیر و شر «تقدس و درمانگری گیاه «هوم» را به یاد می‌آورد» (آموزگار، ۱۳۸۸: ۳۳). نظامی در این داستان درخت صندل را تا حد درخت زندگی بالا می‌برد. در این داستان مرد کرد، به‌عنوان مهتر قبیله، برای درمان چشمان خیر، نشان از درخت کهن دو شاخی در کنار چشمه‌ای می‌دهد که خاصیت شفادهندگی نابینایی و صرع را دارد.

گفت کز شاخ آن درخت بلند باز بایست کرد برگی چند...
(نظامی، ۱۳۹۸: ۲۷۷)

رخنه دیده گر چه باشد سخت به شود ز آب آن دو برگ درخت
پس نشان داد کآن درخت کجاست گفت از آن آبخور که خانی ماست
(همان، ۲۷۸)

گویا مرد کرد به‌عنوان بزرگ قبیله، تنها کسی است که از خاصیت آن درخت باخبر است و همچنین اجازه استفاده از آن درخت را دارد. بزرگ قبیله بودن، مالک درخت بودن، خاصیت خاص درمانی درخت، اطلاع مرد کرد از خاصیت درمانی آن، انتقال قدرت و در پی آن انتقال درخت از مرد کرد به خیر با ازدواج با دختر کرد، پنج گزینه‌ای است که می‌تواند ما را به این نتیجه برساند که آن درخت صندل، توت‌مرد گیاهی قبیله مرد کرد است که با ازدواج خیر با دختر مرد کرد به او انتقال پیدا می‌کند.

۳-۳-۳- انتقال توت‌مرد با ازدواج

در داستان خیر و شر ازدواج‌های خیر با دختر مرد کرد، دختر پادشاه و دختر وزیر، تداعی‌کننده توت‌مرد برون‌همسری است. انتقال توت‌مرد از خانواده همسر به فرد را در ازدواج خیر با دختر مرد کرد می‌بینیم. درخت صندل، توت‌مرد گیاهی قبیله مرد کرد است و طبق قانون حاکم بر توت‌مردها، او به‌عنوان مهتر قبیله اجازه استفاده از آن را فقط در موارد خاص دارد. مرد کرد بعد از درمان خیر، او را به عقد دختر خود درمی‌آورد و با دادن اختیار اموال خود به خیر، به‌نوعی او را جانشین خود در قبیله می‌کند. حاصل این ازدواج، انتقال این توت‌مرد گیاهی علاوه بر اموال مادی از خانواده مرد کرد به خیر، به‌عنوان عضو جدید قبیله است. به سبب جانشینی مرد کرد است که خیر به خود اجازه استفاده از برگ‌های

آن درخت را می‌دهد؛ زیرا استفاده از توتم در مواقع خاص فقط مختص بزرگان قبیله آن توتم است.

خیر در ازدواج‌های بعدی از برگ‌های آن درخت صندل برای درمان دختر پادشاه و وزیر استفاده می‌کند. به این ترتیب شاهد برون‌همسری و انتقال توتم پادشاه و وزیر به خیر به‌عنوان عضو جدید قبیله آنان هستیم. چرا که با ازدواج او با دختر پادشاه و وزیر، تمام قدرت آن دو به‌واسطه جانشینی به خیر می‌رسد. در آخر داستان هنگامی که مرد گُرد، شر را به سزای اعمالش می‌رساند دو گوهر خیر را به دست می‌آورد و خیر آن دو گوهر را به مرد گُرد می‌بخشد؛ درواقع می‌توان آن دو گوهر را نیز توتم قبیله خیر دانست که هنگام بازیافتن آن به قبیله همسرش انتقال داده می‌شود.

۴-۳- توتم زمین مقدس

توتم می‌تواند حیوان یا گیاه یا هر پدیده طبیعی باشد که از طرف قبایل به مانند نیا و جد بزرگشان شمرده شده، قوانین خاصی درباره آن به وجود آمده است و بی‌احترامی به آن مجازات سنگینی دارد. این دسته از منع‌ها در تابوهای آن قبیله خود را نشان می‌دهد. از نظر وونت در میان منع‌های تابویی ۱. تابوی حیوانات ۲. تابوی انسان‌ها ۳. تابوهای مربوط به درختان، گیاهان، خانه‌ها و اماکن، از تنوع بیشتری برخوردارند (فروید، ۱۳۹۰: ۳۱-۳۲).

در داستان گنبد سپید تابوی «زمین مقدس» را می‌بینیم. می‌توان «زمین مقدس باغ» را با این استناد که محل کشت و کار و در اساطیر مورد احترام است و به دلیل اظهارهای روح زمین مقدس، به خواجه پارسا با برهم زدن معاشقه گناه آلودش، همچنین مالکیت خواجه پارسا بر زمین آن را دلایلی بر توتم بودن آن باغ به حساب آورد و آن باغ را توتم خواجه پارسا گرفت که باید به قوانین آن «تابو» احترام بگذارد.

«درخت را بسیاری از اقوام باستانی به‌عنوان جایگاه خدا، یا درواقع خود خدا می‌پرستیدند» (هال، ۱۳۸۰: ۲۸۵). در بین ایرانیان نیز درخت از تقدس خاصی برخوردار بوده است تا جایی که در پای گیاه مورد اعتقاد خود به اجرای مناسک و دادن فدیه و قربانی می‌پرداختند (خادمی کولایی، ۱۳۸۸: ۱۱). تقدس درخت بین ایرانیان، در ارتباط بین درخت و زمین، می‌تواند تأییدی بر توتم بودن زمین در این داستان باشد. نزدیک است که خواجه پارسا به دلیل احترام نگذاشتن به زمین مقدس که توتم اوست و اقدام به گناه - تابوشکنی - در آن، توسط روح مقدس زمین مجازات شود، اما چون وی از نظر معنوی فردی متمایز است، روح مقدس زمین با برهم زدن هر چهار بار خلوت او با دختر چنگ‌نواز، مانع از انجام دادن گناه او (تابوشکنی) می‌شود و با این کار به او اخطار می‌دهد. در آخر خواجه پارسا پی به اخطار روح مقدس زمین می‌برد و با توبه کردن تطهیر می‌شود. از دیگر تابوشکنی‌های داستان، ورود دزدانه خواجه پارسا به باغ است. «عبور دشوار، رازآمیز و ضروری مرحله‌ای است که در بسیاری از افسانه‌ها و داستان‌هایی که درونمایه آن‌ها کهن‌الگوی فردیت است، دیده می‌شود» (جعفری، چوقادی، ۱۳۹۰: ۱۲۸). او پس از ضرب

و شتم کنیزان می گوید: این سزای کسی است که از راه غیرمعارف وارد ملکش شود، چون مالکیت زمینش از او سلب می شود. این اولین خطای خواجه پارسا نسبت به زمین است که بابت آن مجازات می شود.

دومین تابوشکنی او این است که با وجود داشتن درجه پارسایی، هنگامی که دو کنیز از او می خواهند که دختری را برای هم آغوشی انتخاب کند، کف نفس نکرده، قبول می کند. اقدام به عمل جنسی بدون اینکه دو طرف به عقد ازدواج هم درآمده باشند، تابوشکنی است. خواجه پارسا با توبه و اقدام به ازدواج با دختر چنگ نواز این تابوشکنی را جبران می کند.

به حلالش عروس خویش کنم	خدمتش ز آنچه بود بیش کنم
کار بینان که کار او دیدند	از خدا ترسیش بترسیدند
سر نهادند پیش او بر خاک	کافرین بر چنان عقیدت پاک

(نظامی، ۱۳۹۸: ۳۱۳-۳۱۴)

نکته جالب دیگر در گنبد سپید ارتباط توتم زمین مقدس در داستان خواجه پارسا با بهرام و دُرستی است. بهرام و دُرستی از دو خاندان با دو توتم مختلف هستند، اما به دلیل ایرانی بودنشان، سرزمین ایران برای آن دو زمین مقدس است و می توان آن را توتم آنها محسوب کرد. دُرستی با گفتن داستان خواجه پارسا به بهرام یادآور می شود که نباید در زمین مقدس که همان سرزمین ایران است، تابوشکنی کرد.

۳- نتیجه گیری

هفت پیکر نظامی گنجوی به زندگی بهرام گور ساسانی و ازدواج های او با هفت شاهدخت از هفت اقلیم اختصاص دارد. هر شاهدخت در زمان حضور بهرام در گنبدش حکایتی نقل می کند. در این حکایت ها که به نظر می رسد بازمانده داستان های ادب عامه پیش از اسلام است، می توان ردپای توتم های ایرانیان را دید.

نتایج این بررسی نشان داد که توتم های مطرح شده در این اثر کهن شامل توتم برون همسری (هفت ازدواج بهرام با هفت شاهدخت هفت اقلیم)، توتم خورشید (توتم شاهدخت رومی)، توتم گیاهی (در داستان ماهان مصری، داستان خیر و شر و داستان خواجه پارسا)، توتم زمین مقدس (در داستان خواجه پارسا) و انتقال توتم با ازدواج (در داستان خیر و شر) است.

ازدواج بهرام گور با هفت شاهدخت از هفت اقلیم جهان را می توان نمود احترام به توتم برون همسری دانست. بهرام گور با این ازدواج ها، سبب استحکام روابط و صلح و آرامش بین سرزمین خود و دیگر سرزمین ها شد. ازدواج بهرام گور ساسانی با شاهدخت ایرانی، ازدواج با قبیله دیگر و برون همسری محسوب می شود، به این علت که دُرستی از نسل کیکاوس از شاهان کیانی است. در داستان خیر و شر ازدواج های خیر با دختر مرد گُرد،

دختر پادشاه و دختر وزیر، تداعی‌کننده توتم برون‌همسری است. نمود دیگر توتمیسم در گنبد دوم است. شاهدخت رومی، ساکن گنبد زرد است و روز یکشنبه به او اختصاص دارد. در فرهنگ رومیان، روز یکشنبه روز خورشید زردرنگ است که در واقع توتم سرزمین روم محسوب می‌شود. درخت صندل نمود درخت زندگی در همت‌پیکر است. در داستان «بشر پرهیزگار»، چشمه‌ای که ملیخا در آن غرق می‌شود، در پای درخت صندلی عالی شاخ است. درخت صندل در دو داستان «ماهان مصری» و «خیر و شر» توتم گیاهی است که خاصیت درمانگری و شفابخشی دارد. انتقال توتم با ازدواج از دیگر مباحث مرتبط با توتمیسم است که در داستان «خیر و شر» با ازدواج خیر با دختر مرد گرد آمده است. در داستان خواجه پارسا شاهد توتم زمین مقدس به‌عنوان توتم خواجه پارسا هستیم. ارتباط بین درخت و زمین، می‌تواند تأییدی بر توتم بودن زمین در این داستان باشد. نتایج پژوهش نشان داد که منظومه همت‌پیکر جلوه‌گاه برخی از نمادهای توتمیسم است.

کتابنامه

- احمد نژاد، کامل. (۱۳۶۹). *تحلیل آثار نظامی گنجوی*. تهران: علمی.
- آزادگان، جمشید. (۱۳۷۲). *تحقیق در توتمیسم*. تهران: علمی فرهنگی.
- استروس، کلود لوی. (۱۳۶۱). *توتمیسم ترجمه مسعود راد*. تهران: توس.
- اسماعیلی، زیبا و خجسته، معصومه. (۱۴۰۰). «مؤلفه‌های ادبیات عامه در حکایت‌های هفت‌پیکر». *مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)*. د ۴. ش ۸. صص ۳۷-۲۱.
- آموزگار، ژاله. (۱۳۸۸). *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: سمت.
- آیتی، محمد. (۱۳۷۶). *شرح خسرو و شیرین نظامی*. تهران: شرکت سهامی و امیرکبیر.
- پارسا، سید احمد (۱۳۹۴) «بن‌مایه‌های اسطوره‌ای خیر و شر در هفت‌پیکر نظامی». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. د ۱۱. ش ۳۸. صص ۵۶-۱۴.
- پورخالقی چترودی، مهدخت. (۱۳۸۱). *درخت شاهنامه (ارزش‌های فرهنگی و نمادین درخت در شاهنامه)*. مشهد: به‌نشر.
- جباللی، عصمت؛ صادق‌زاده، محمود؛ مشکاتی، مریم و امین، فاطمه. (۱۳۹۴). «بررسی مضامین نجومی در هفت‌پیکر نظامی». *گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران*. دوره ۱۰. دانشگاه اردبیل.
- جعفری، طیبه و زینب چوقادی. (۱۳۹۰). «تحلیل کارکرد کهن‌الگوها در بخشی از داستان بهرام چوبین». *پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*. د ۳. ش ۱. صص ۱۳۴-۱۲۳.
- حسینی، مریم. (۱۳۹۳). «ازدواج‌های جادویی در هفت‌پیکر نظامی». *جستارهای نوین ادبی*. د ۴۷. ش ۴. صص ۳۸-۲۱.
- خادمی کولایی، مهدی. (۱۳۸۸). «جستاری در باب اسطوره‌ها و نمادهای نباتی». *پیک نور*. د ۷. ش ۱. صص ۲۱-۳.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه زیر نظر محمد معین*. جعفر شهیدی. تهران: دانشگاه تهران.
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۳). *صور بنیانی حیات دینی: توتمیسم در استرالیا*. ترجمه باقر پرهام. تهران: مرکز.
- روح‌الامینی، محمود. (۱۳۶۰). «درون‌همسری و برون‌همسری». *چیستا*. د ۱. ش ۵. صص ۵۳۷-۵۲۵.
- سامع، محمد. (۱۳۷۰). «توتم و توتمیسم». *رشد آموزش علوم اجتماعی*. د ۹. ش ۴. صص ۶۲-۶۰.

- ستاری، رضا و حقیقی، مرضیه. (۱۳۹۳). «نقش توتم در نفی ازدواج با محارم در ایران باستان». زن در فرهنگ و هنر. د ۶. ش ۱. صص ۷۳-۹۴.
- ستاری، رضا؛ رضوانیان، قدسیه؛ خسروی، سوگل. (۱۳۹۶). «توتم در منظومه‌های حماسی پس از شاهنامه». متن‌شناسی ادب فارسی. د ۹. ش ۴. صص ۷۱-۹۱.
- طغیانی، اسحاق و جعفری، طیبه. (۱۳۸۷). «سودای سود؛ رویکردی روانشناختی به گنبد پنجم هفت‌پیکر نظامی». دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. د ۵۹. ش ۱۸۷. صص ۲۳۰-۲۱۳.
- فروید، زیگموند. (۱۳۹۰). توتم و تابو ترجمه محمدعلی خنجی. تهران: طهوری.
- فریزر، جیمز جورج. (۱۳۹۲). شاخه زرین. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: آگاه.
- کزازی، میرجلال‌الدین و فرقدانی، کبری. (۱۳۸۶). «توتم در داستان‌های شاهنامه». متن‌پژوهی ادبی. د ۱۱. ش ۳۴. صص ۸۵-۱۱۳.
- محسنی، مرتضی و ولی‌زاده، مریم. (۱۳۹۰). «بن‌مایه‌های توتمیسم در قصه‌های عامیانه ایران». ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. د ۷. ش ۲۳. صص ۱۸۰-۱۵۵.
- مدرسی، فاطمه و عزتی، الناز. (۱۳۹۱). «مشابهت برخی از اسطوره‌های توتمیک ایرانیان و ترکان». ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. د ۸. ش ۲۹. صص ۹۱-۱۱۵.
- مؤذنی، علی‌محمد و نظری، ماه. (۱۳۸۸). «تحلیل داستان «گنبد فیروزه‌ای» از هفت‌پیکر نظامی و افسونگری نفس‌آماره». علمی‌تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا). د ۱. ش ۱. صص ۱۳۶-۱۱۲.
- نصر اصفهانی، زهرا و ایل‌بیگی، مریم. (۱۳۹۵). «درختان اساطیری در افسانه‌های هفت‌پیکر نظامی». ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. د ۱۲. ش ۴۴. صص ۲۳۸-۲۱۵.
- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۹۸). هفت‌پیکر. تصحیح حسن وحید دستگردی به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.
- هال، جیمز. (۱۳۸۰). فرهنگ‌نگارهای نمادها در هنر شرق و غرب. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.

